

آیا «امکان» دارد «تصادفی» و به خاطر «بدشانسی» با حمله دشمن «بمیریم»؟

در «نظام حکیمانه الهی»، «هیچ حادثه‌ای» قطعاً نمی‌تواند «تصادفی، بی‌علت و شانسی» باشد بلکه «هر حرکت کوچک و بزرگ، مادی و معنوی و داخلی و خارجی» حتماً با «إذن الهی» است: «حاصلخیزی زمین با اجازه» است: وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ... (اعراف/۵۸)
«رویش هر محصولی با اجازه» است: تَوَاتَى أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ... (ابراهیم/۲۵)
«رهائی از تاریکی با اجازه» است: ... لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ... (ابراهیم/۱)
«جریان ملائکه با اجازه» است: تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ... (قدر/۴)
«شفاعت ملائکه با اجازه» است: ... لَا تُغْنِي شَفَاعَتَهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذِنَ اللَّهُ ... (نجم/۲۶)
«استدلال انبیاء با اجازه» است: ... مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ... (ابراهیم/۱۱)
«غلبه صابرين با اجازه» است: ... إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ ... (أنفال/۶۶)
«زنده شدن پرنده گلی با اجازه» است: .. فَأَنْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ... (آل عمران/۴۹)
«زنده شدن مُردگان با اجازه» است: ... أَحْيِ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ (آل عمران/۴۹)
«آسیب شیطان با مجوز الهی» است: ... وَ لَيْسَ بِضَارِهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ... (مجادله/۱۰)
«إرائه معجزه با اجازه الهی» است: ... مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ... (رعد/۳۸)
«هر نوع حادثه تلخی با اجازه» است: ... مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ... (تغابن/۱۱)
«فرار دشمنان نیز با اجازه» است: فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ ... (بقره/۲۵۱)
«سبقت در خیرات با اجازه» است: ... وَ مِنْهُمْ سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ... (فاطر/۳۲)
«باورهای انسان نیز با اجازه» است: وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ... (یونس/۱۰۰)
پس «هیچ انسان و مخلوقی» قطعاً «بی‌إذن خالق» و «قبل از پایان مهلتش از دنیا نمی‌رود»:

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَاباً مُؤَجَّلاً ... (آل عمران/۱۴۵)

(و هیچ فردی جز به فرمان خدا نمی‌میرد (و خداوند مرگ هر فردی را) «مهلتی قطعی» (قرار داده است ...)
لذا «هزاران نفر» در «جنگ» حتی بعد از «تیر خلاص خوردن» یا «ساعتها زیر آوار بودن» یا در «مواجهه با حوادثی بسیار خطرناک»، «زنده» مانده و «تیغ تیز گلوی اسماعیل» را نبریده، اما «افراد زیادی»، «بدون هیچ بیماری» و «هیچ خطر بیرونی» در خانه خود «از دنیا می‌روند». «خدایا؛ عقلانیت و ایمانی به ما عطا فرما که در فرصتهای دنیائی خود، هیچ کاری را بی‌إذن تو انجام ندهیم.